



## اظهار نظر کارشناسی درباره:

### «طرح استفساریه ماده (۲۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری»

#### مقدمه

همان طور که در مقدمه توجیهی طرح ذکر شده، روح حاکم بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کاستن از جمعیت کیفری زندان‌ها و بازداشتگاه‌هاست. از این رو، هرگونه تفسیری از مواد این قانون، باید در راستای روح حاکم بر آن صورت گیرد. موضوع ماده (۲۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری، تعیین مدت بازداشت متهم در نتیجه قرار، اعم از قرار بازداشت موقت یا سایر قرارهای منجر به بازداشت و تعیین تکلیف مقام قضایی برای بازبینی در آن است. به نظر می‌رسد که هدف از پیش‌بینی این ماده و تبصره‌های آن، ایجاد محدودیت در بازداشت افراد و الزام به سرعت بخشیدن فرآیند تحقیقات مقدماتی و رسیدگی است.

مشخصات طرح

دوره دهم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۶۵

شماره چاپ:

۷۹۷

#### ارزیابی پاسخ پرسش‌های مندرج در استفساریه

**پاسخ پرسش نخست:** با استناد به تبصره «۱» ماده (۲۴۲) که حداکثر مدت بازداشت را شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه دانسته است و با توجه به فلسفه این ماده، این مهلت هر دو مرحله تحقیق در دادسرا و محاکمه در دادگاه را دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب، پاسخ پرسش نخست استفساریه همان‌طور که در آن نیز بیان شده، **بله** است.

تاریخ چاپ:

۱۳۹۶/۱۱/۳

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات حقوقی

**پاسخ پرسش دوم:** از عبارت مورد نظر در پرسش دوم نمی‌توان آزادی بلاقید متهم را استنباط کرد، بلکه این عبارت در مقام بیان حداکثر مدتی است که می‌توان تحت هر شرایطی فرد را تحت بازداشت قرار داد؛ اعم از زمانی که ابتدائاً قرار بازداشت صادر شده باشد یا آنکه ناتوانی یا استنکاف از اجرای سایر قرارها به بازداشت فرد منجر شود. بر این اساس، پاسخ به پرسش دوم **خیر** است که در متن پیشنهادی نیز همین پاسخ برگزیده شده است.

**پاسخ پرسش سوم:** براساس تبصره «۱» ماده (۲۴۲)، نصاب حداکثر دو سال و یک سال مندرج در همان ماده، شامل قرارهای منتهی به بازداشت نیز می‌گردد. از این رو، در صورتی که مهلت مقرر در ماده به پایان رسد، بازپرس یا قاضی دادگاه باید متهمی را که حاضر به سپردن تأمین کیفری نیست، آزاد کند. از این حکم می‌توان چنین استنباط کرد که از نظر قانونگذار، متهمی که به اندازه نصاب‌های فوق در بازداشت بوده، به اندازه کافی برای تکمیل تحقیقات در دسترس مقامات قضایی قرار گرفته است و نباید دوباره و این بار تحت عنوان عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل، بازداشت شود. به‌ویژه آنکه با گذشت مدت‌های مندرج در صدر ماده، اصل بر رهایی از بازداشت به‌صورت فک یا تخفیف آن است. مطابق این مقررات، پاسخ به پرسش سوم مندرج در طرح **بله** است.

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۸۱۶

تاریخ انتشار:

۱۳۹۷/۱/۲۱

**پاسخ پرسش چهارم:** ذیل ماده (۲۴۲) دو نصاب زمانی تعیین شده است:

۱. دو سال در مجازات‌های سالب حیات

۲. یک سال در سایر جرائم. اما در این موارد، چنانچه جرائم دارای مجازات حبس باشند، نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند. به این ترتیب، در خصوص جرائم موجب حبس، بازداشت موقت دارای دو نصاب یک سال و حداقل میزان حبس مقرر در قانون برای آن جرم است. با توجه به تفسیر مضیق قوانین کیفری و روح کلی حاکم بر قانون از میان این دو، هر یک که کمتر باشد، نصاب قانونی محسوب می‌شود. با این حال، در سایر جرائم (غیر از سالب حیات یا موجب حبس) نصاب حداکثر زمان بازداشت موقت در هر صورت یک سال است.

البته، به نظر می‌رسد تعیین سقف یک سال به‌عنوان حداکثر مدت بازداشت موقت در انتهای این ماده، نمی‌تواند ملاک مناسبی برای جرائمی باشد که مجازات قانونی آنها شلاق یا جزای نقدی است. در مورد شلاق، بند «ب» ماده (۵۱۶) قابل توجه است که مقرر می‌دارد: «در مورد محکومیت به مجازات‌های ... شلاق ... ، ایام بازداشت قبلی به شرح زیر محاسبه می‌شود: ... ب) در مورد محکومیت به شلاق به‌عنوان مجازات تعزیری، به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌شود ...». در خصوص جزای نقدی نیز، تبصره «۱» ماده (۵۲۹) بیان می‌کند: «چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک روز، از مجازات تعیین شده کسر می‌کند ...». به این ترتیب، با توجه به الزام به محاسبه بازداشت پیش از محاکمه در خصوص میزان شلاق تعزیری یا جزای نقدی مورد حکم و کاستن از آن، می‌توان از این ملاک در تعیین نصاب بازداشت موقت در این مجازات‌ها بهره برد. به‌گونه‌ای که متهم با اعمال معیار فوق، بیش از میزان شلاق تعزیری یا جزای نقدی مقرر در قانون در بازداشت نماند. به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان طرح نیز با توجه به این استدلال به پرسش چهارم پاسخ خیر داده‌اند.

اما، در حال حاضر و با فقدان چنین مقرراتی مدت زمان ذکر شده در قسمت آخر ماده (۲۴۲) را می‌توان شامل مواردی غیر از حبس نیز دانست. دلیل دیگری که می‌توان در تقویت این نظر بیان کرد، مقررات مندرج در صدر ماده (۲۴۲) است. مطابق آن، قانونگذار میان جرائم مقرر در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» این ماده و سایر جرائم از حیث مدت زمان تمدید قرارها تفاوت قائل شده است. ولی، از جهت نوع مجازات، محدودیتی وجود ندارد. شاهد مثال دیگر آن، تعیین ملاک برای بازداشت پیش از محکومیت در شلاق تعزیری و جزای نقدی مندرج در بند «ب» ماده (۵۱۶) و تبصره «۱» ماده (۵۲۹) این قانون به شرح پیش گفته است. به‌علاوه، با نظر به این مقررات، در صورتی که این مدت شامل مجازات‌های شلاق و جزای نقدی نباشد، قانون با خلأ مواجه می‌شود. بدین ترتیب، مطابق منطوق ماده و به‌منظور ممانعت از بروز اشکال در قانون، پاسخ به پرسش چهارم باید **بله** باشد.

### **جمع‌بندی**

براساس قواعد و روح حاکم بر قانون آیین دادرسی کیفری و منطوق ماده (۲۴۲) این قانون، هر گونه تفسیری از آن باید در راستای ایجاد محدودیت در مدت زمان بازداشت موقت و اعمال آن باشد. در مجموع، به نظر می‌رسد که علیرغم امکان پاسخ به تمامی پرسش‌های مندرج در استفساریه با نگاه به ماده (۲۴۲)، به دلیل بروز تفاسیر مختلف و ابهامات جزئی به‌ویژه در خصوص مدت زمان انتهای ماده، تصویب این طرح با اصلاح اشاره شده در خصوص پرسش چهارم، می‌تواند گامی مثبت در راستای شفافیت قانون باشد که در قوانین شکلی اهمیت بسزایی دارد.